

# دوران

رمان

## روح انگیز شریفیان



چاپخانه



نویسنده

نویسنده

نویسنده

نویسنده

نویسنده

نویسنده



ISBN: 978-964-121-121-1

انتشارات مروارید

سوزش در سینه و در سینه ها و در سینه ها و در سینه ها  
 ۱) در کتاب نگاه می گذارد، می فهمد چه  
 چشم هایش که والی آن را خوب می شناسد، نگاهی به او می اندازد. والی به  
 یاد دکتر معین می افتد که وقتی داشت با عجله کتاب را توی کیفش جا  
 می داد، کنجکاو و پرسش آمیز نگاهش کرده بود.

گفته بود: «گرفتم برای مادرم.»

معین با تعجب لب هایش را جمع کرده و ابروهایش را بالا برده بود:  
 «مادرت؟ برای مامانت؟»

همان وقت باید متوجه می شد.

آریا همان طور که دستش گوشه ی کتاب است، می گوید: «به نظر تو فرقی  
 هم می کند؟»

والی جا می خورد، نمی داند منظورش چیست، فکر می کند باز شروع  
 کرده. چقدر عوض شده بود. آدم ها در زمانی کوتاه چقدر عوض می شوند. از  
 کی بود؟ از مرضی پدرش، بعد از فوتش؟ پیش از آن؟  
 می گوید: «مامان...»

آریا سرش را بلند می کند. می گوید: «در دنیای مصرفی، تولیدی، تبلیغاتی،  
 تجاری، سیاسی... فرقه های Commercialism Massproduction Consummerisim